

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات انگلیسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی

عنوان پایان نامه:

بررسی اختلالات زبانی یک بیمار نحوپریش کرد: مطالعه‌ی موردی

استاد راهنما:

دکتر عامر قیطوری

استادان مشاور :

دکتر شجاع تفکری رضایی

رکسانا یادگار آذری

نگارش:

فاطمه حسنی جلیلیان

مهر ماه ۱۳۹۱



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات انگلیسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی

دانشجو: فاطمه حسنی جلیلیان

عنوان پایان نامه

بررسی اختلالات زبانی یک بیمار نحوپیش کرد: مطالعه‌ی موردی

در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء	دانشیار	با مرتبه‌ی علمی	عامر قیطوری	دکتر	استاد راهنما
امضاء	استادیار	با مرتبه‌ی علمی	شجاع تفکری رضایی	دکتر	استاد مشاور
امضاء	مربی	با مرتبه‌ی علمی	رکسانا یادگار آذری		استاد مشاور
امضاء	استادیار	با مرتبه‌ی علمی	خسرو غلامعلی زاده	دکتر	استاد داور داخلی
امضاء	استادیار	با مرتبه‌ی علمی	فردوس جمالی	دکتر	استاد داور داخلی

تقديم به:

پدر عزيزم

مادر مهربانم

و همهي كساني كه در نوشتن اين تحقيق ياريام دادند.

چکیده

این تحقیق یک مطالعه‌ی موردی از یک بیمار زبان پریش کرد است. در این تحقیق با استفاده از یک آزمون جامع و نظام‌مند (آزمون دوزبانگی زبان‌پریشی) اختلالات زبانی یک بیمار زبان‌پریش کرد بررسی شد. محل آسیب مغزی و نتایج آزمون نشان می‌دهند بیمار مورد مطالعه از زبان‌پریشی بروکا (ناروان) رنج می‌برد. در زبان‌پریشی بروکا تولیدگفتار بیماران دچار اختلال می‌شود و گفتار آنها اساساً به عبارات کوتاهی محدود می‌شود اما از درک زبانی خوبی برخوردارند. بیمار مورد مطالعه نیز قادر به تولید گفتار روان نیست اما درک زبانی وی نسبتاً خوب است. پس از تعیین نوع زبان‌پریشی بیمار اختلالات زبانی وی در سطوح مختلف بررسی شدند. اختلال در همه‌ی سطوح آوایی، ساخت-واژی، نحوی و معنایی وجود داشتند اما اختلالات نحوی به مراتب بیشتر از دیگر سطوح بود. یکی از مشخصه‌هایی که در اکثر بیماران زبان‌پریش بروکا وجود دارد نحو‌پریشی است که به واسطه‌ی آن نحو بیمار دچار اختلال می‌شود. بیماران نحو‌پریش توانایی استفاده از واژه‌ها و تکواژهای نحوی را از دست داده و بیشتر از واژگان قاموسی استفاده می‌کنند. هر چند بیمار مورد مطالعه به مرحله‌ی تولید جمله نرسیده است اما گفتار کوتاه وی و نتایج آزمون‌های مربوط به نحو نشان می‌دهند که بیمار دچار اختلالات نحوی است و می‌توان وی را نحو‌پریش نامید.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات تحقیق

- ۱-۱- مقدمه ۲
- ۲-۱- بیان مسئله ۳
- ۳-۱- اهمیت موضوع ۵
- ۴-۱- اهداف پایان نامه ۶
- ۵-۱- سؤالات تحقیق ۷
- ۶-۱- ساختار مطالعه ۸

فصل دوم : ملاحظات نظری و پیشینه

- ۱-۲- مقدمه ۱۰
- ۲-۲- ملاحظات نظری ۱۱
- ۱-۲-۲- دیدگاه‌های مهم در مطالعات عصب‌شناسی زبان ۱۴
- ۱-۱-۲-۲- دیدگاه کانونی‌گرایی و تدایی‌گرایی ۱۴
- ۲-۱-۲-۲- دیدگاه کلی‌نگر ۲۷
- ۳-۱-۲-۲- دیدگاه کانونی‌نگری پویا ۲۸
- ۲-۲-۲- انواع زبان‌پریشی ۳۳

- ۳۶..... دوزبانگی ۳-۲-۲
- ۳۸..... ارتباط زبان پریشی و عصب‌شناسی ۴-۲-۲
- ۴۲..... مطالعات زبان پریشی ۳-۲
- ۴۳..... مطالعات زبان پریشی در زبان‌های ایرانی ۱-۳-۲
- ۴۴..... مطالعه‌ی زبان پریشی در زبان کردی ۲-۳-۲

فصل سوم : روش تحقیق

- ۴۷..... مقدمه ۱-۳
- ۴۷..... تاریخچه‌ی بیمار ۲-۳
- ۵۱..... تصاویر CT SCAN مغز بیمار ۱-۲-۳
- ۵۵..... آزمون مورد استفاده در تحقیق ۳-۳
- ۵۵..... آزمون زبان پریشی دوزبانه (BAT) ۱-۳-۳
- ۵۷..... بخش دوم آزمون BAT ۲-۳-۳
- ۶۴..... نمره‌دهی آزمون BAT ۳-۳-۳
- ۶۶..... سوالات نحوی آزمون BAT ۴-۳-۳
- ۶۷..... داده‌ها ۵-۳-۳
- ۶۸..... ضمیمه ۶-۳-۳

فصل چهارم : تحلیل داده‌ها و نتایج

- ۷۰..... مقدمه ۱-۴
- ۷۰..... دسته‌بندی اختلالات و توانایی‌های زبانی بیمار براساس داده‌های به‌دست آمده از آزمون BAT ۲-۴

۳-۴- نتایج ۹۴

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

۱-۵- بحث ۹۹

۲-۵- پاسخ به پرسش‌های تحقیق ۱۰۰

۳-۵- پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده ۱۰۷

واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی ۱۰۸

منابع ۱۱۰

فصل اول

کلیّات تحقیق

۱-۱ مقدمه

زبان به عنوان یکی از ویژگی‌های متمایزکننده‌ی انسان از سایر موجودات و ابزاری ارتباطی، همواره از پیچیده‌ترین مسائلی بوده که انسان با آن سروکار داشته است. فیلسوفان، جامعه‌شناسان، روانشناسان، و دیگر دانشمندان هریک به نوعی به تعریف و توصیف زبان پرداخته‌اند، و هرکدام با زاویه‌ی دید خود به آن نگریسته‌اند. مطالعه‌ی زبان در این علوم در ارتباط با آن علم صورت می‌گیرد و زبان مانند یکی از پدیده‌های مرتبط با آن علم مطالعه می‌شود. با این وجود، زبان نیز از مطالعات علمی و محض بی بهره نبوده است. زبان-شناسی علمی است که به مطالعه‌ی علمی زبان می‌پردازد و درصدد بررسی جنبه‌های مختلف و پیچیده‌ی آن است. در طی سال‌های اخیر مطالعات شایانی از سوی زبان‌شناسان صورت گرفته و جنبه‌های مختلف آن کم و بیش بررسی شده است اما ارتباط پیچیده‌ی زبان با علوم دیگر، ماهیت و گستردگی حوزه‌ی مطالعاتی آن، زبان را تنها به حوزه‌ی زبان‌شناسی محدود نمی‌کند.

یکی از علومی که پدیده‌ی زبان را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد عصب‌شناسی زبان است. عصب-شناسی زبان به ارتباط میان زبان و مغز می‌پردازد و کارکرد مغز را در رابطه با زبان می‌سنجد. بنا بر باطنی (۱۳۸۵: ۲۴-۳۵) عصب‌شناسی زبان رابطه‌ی بین مغز و زبان را مطالعه می‌کند و هدف آن بررسی چگونگی ذخیره، فراخواندن و پردازش داده‌های زبانی است. در واقع، می‌توان کار عصب‌شناسان زبان را یافتن حوزه‌های زبانی مختلف در مغز، ارتباط میان آن‌ها و چگونگی عملکرد توأم و جداگانه‌ی آنها براساس دروندادها و بروندادهای زبانی دانست.

در رابطه با هریک از پدیده‌های زبان و مغز، به‌طور جداگانه تحقیقات زیادی انجام گرفته است و نظریه‌های زیادی در این حوزه‌ها وجود دارد اما آنچه که سال‌هاست نظر برخی از دانشمندان و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده، مطالعه‌ی ارتباط بین این دو است. عصب‌شناسان زبان ناشناخته‌های زبان را ناشی از پیچیدگی عملکرد مغز انسان می‌دانند که خود یکی از اسرارآمیزترین بخش‌های وجود آدمی است. از نظر عصب‌شناسان زبان، زبان را باید در خاستگاه آن بررسی کرد و به جستار در این باره پرداخت که زبان چگونه در مغز پردازش می‌شود.

۱-۲ بیان مسأله

عصب‌شناسی زبان به بررسی جنبه‌های مختلف ارتباط زبان با عملکردهای مغز می‌پردازد و اینکه زبان چگونه در مغز درک می‌شود و چه عملکردهایی در مغز به تولید آن می‌انجامد. اما این‌ها تنها پرسش‌هایی نیستند که عصب‌شناسان زبان در پی یافتن پاسخ به آن‌ها هستند. بنابراین سن^۱ (۲۰۰۶: ۵) اختلافات زبان پس از آسیب‌های مغزی، ارتباط اکتساب زبان کودک با رشد مغز، ارتباط کانون‌های مختلف مغز با جنبه‌های مختلف زبان و تمایز انسان با دیگر موجودات در این زمینه از جمله پرسش‌هایی است که نیازمند تحقیقات و مطالعات عصب‌شناس زبان است.

بخش‌های مختلفی از مغز که به ذخیره، فراخوانی و پردازش زبان اختصاص دارند در یک نظام کاملاً هماهنگ و پیچیده وظیفه‌ی خود را انجام می‌دهند. اما بروز کوچکترین خللی در این نظم پیچیده اختلافات خاص خود را به همراه دارد. در واقع، مطالعه‌ی این نارسایی‌ها یکی از بهترین راه‌های شناخت خود زبان، تشخیص جایگاه و نحوه‌ی ارتباط آن با مغز است که به درک درستی از هر دو می‌انجامد.

¹ Ahlsen

یکی از اختلالاتی که موضوع مطالعات عصب‌شناسی زبان است آفازیا^۲ یا زبان‌پریشی است. مطالعات زبان-پریشی به بررسی اختلالات زبانی پس از آسیب‌های مغزی می‌پردازد. هرچند ممکن است در منابع مختلف با تعاریف مختلفی از زبان‌پریشی روبه‌رو شویم اما این تعاریف همه از ماهیت یکسانی برخوردارند به عنوان مثال، بروک شایر (۱۳۸۲) زبان‌پریشی را حاصل عملکرد نادرست مناطقی از مغز که دارای قابلیت زبانی هستند می‌داند و یا به تعبیر نیلی پور (۱۳۸۰: ۲۵) ضایعه‌ی مغزی موجب می‌شود مشخصات گفتار در سطوح مختلف ساختاری و مهارتی و به درجات مختلف از هنجار طبیعی خارج شوند.

زبان‌شناسان به منظور درک بهتر زبان و شناختن ساختار و سطوح آن به مطالعاتی از این دست روی آورده‌اند. همچنانکه اینگرام^۳ (۲۰۰۷) عنوان می‌کند مطالعه‌ی زبان‌پریشی یا آسیب‌های وارده بر نواحی زبانی مغز یکی از مهمترین منابع برای شناسایی رابطه‌ی میان مغز و زبان است. زبان‌شناسان نیز معمولاً برای محک زدن فرضیه‌های زبان‌شناسی به مطالعات زبان‌پریشی می‌پردازند. زبان‌شناسی در اواسط قرن بیستم به اینگونه مطالعات راه پیدا کرد و مطالعات زبان‌پریشی ابزاری جهت آزمودن فرضیه‌های زبان‌شناسی شد (السن، ۲۰۰۶)

بنابراین همانند مطالعه‌ی زبان‌های مختلف مطالعه‌ی این‌گونه اختلالات زبانی نیز ضروری به نظر می‌رسد. در این تحقیق اختلالات مختلف زبانی در یک بیمار زبان‌پریش‌گردد ارزیابی می‌شوند. این اختلالات به نوبه‌ی خود می‌توانند زمینه‌ی محک زدن نظریه‌های زبان‌شناسی قرار گیرند.

^۲ Aphasia با معنی لغوی "بدون زبان" واژه‌ای یونانی است که نخستین بار توسط تروسی در سال ۱۸۶۴ برای این گونه اختلالات زبانی به کار برده شد. این واژه در فارسی به "زبان‌پریشی" ترجمه شده است.

^۳ Ingram

۱-۳ اهمیت موضوع

علاوه بر شناخت بهتر زبان و محک زدن نظریه‌های زبان‌شناسان، یکی از مهم‌ترین کاربردهای این گونه مطالعات یافتن راه‌های درمان برای بیمارانی است که به علت‌های مختلف از جمله سکته مغزی، آسیب‌های وارد شده به مغز و دیگر بیماری‌ها دچار اختلالات زبانی می‌شوند.

داده‌های زبانی از زبان‌های متفاوت می‌تواند کمک شایانی به درک و شناسایی خود زبان به‌طور خاص و نیز ارتباط آن با مغز در حالت کلی باشد. از آنجا که ساختار مغزی همه‌ی انسان‌ها به یک شکل است، داده‌های زبانی از زبان‌های مختلف به درک بهتری از توانش و کنش زبان می‌انجامد و این نکته‌ای است که چامسکی (۲۰۰۶) بدان اشاره دارد. از سوی دیگر، آسیب یکسان به مغز افراد مختلف، نمودهای مختلف زبان-پریشی را موجب می‌شود بنابراین لزوم تحقیق در رابطه با اختلالات زبانی در زبان‌های مختلف توجیه می‌شود. چنین تحلیل‌هایی هم به درک زبان می‌انجامد و هم ماهیت ساختاری مغز را در ارتباط با زبان روشن می‌کند. بر همین اساس پارادیس^۴ (۲۰۰۱) بحث ساختارهای مختلف آواشناختی، واژه‌سازی، نحوی و معنایی زبان‌های مختلف را به‌میان می‌آورد، و با تأکید بر اهمیت تحقیق در همه‌ی زبان‌ها نیاز به داشتن چنین اطلاعاتی از زبان بیمار را لازم می‌داند.

هم چنین بنابر پارادیس (۲۰۰۱) یکی از فواید بررسی زبان‌پریشی در زبان‌های مختلف کمک به زبان‌پریشان دو یا چند زبانه است. اگر گفتار درمان‌ها با ساختارهای زبانی زبان‌های مختلف آشنا باشند، می‌توانند اختلالات زبانی را در بیمارانی دو یا چند زبانه تشخیص داده و براساس شدت اختلال هر کدام از زبانها، به بازگشت بهتر یکی از آن زبان‌ها کمک کنند تا بیمار بتواند از یکی از زبان‌های خود به منظور ایجاد ارتباط استفاده کند. یکی از موارد مهمی که گفتاردرمان‌ها را در تشخیص شدت اختلالات با مشکل مواجه می‌کند

⁴ Paradis

عدم آشنایی آنها با نمود زبان‌پریشی در زبان‌های مختلف است که دلیل آن تفاوت در پارامترهای مختلف زبان‌هاست. مثلاً یک بیمار دوزبانه‌ی فارسی-انگلیسی ممکن است درصد اختلال تقریباً یکسانی در مقوله‌ی تطابق میان فاعل و فعل در هر دو زبان نشان دهد. در چنین مواردی پزشک بالینی یا گفتاردرمان نباید نمود این نوع اختلال را در هر دو زبان یکسان بداند زیرا تظاهر صرفی تطابق در زبان فارسی نسبت به زبان انگلیسی آشکارتر است. بنابراین در چنین بیماری درصد اختلال یکسان در هر دو زبان حاکی از آن است که اختلال تطابق در زبان فارسی بیشتر از زبان انگلیسی است.

این مسأله تنها در رابطه با زبان‌هایی که از لحاظ رده‌شناسی به رده‌های مختلف تعلق دارند صادق نیست، بلکه ممکن است زبان‌ها و گویش‌هایی را که به یک رده‌ی خاص تعلق دارند نیز شامل شود. به عنوان مثال، کردی کلهری و کردی هورامی که هر دو جزو زبان‌های کردی هستند از لحاظ آواشناختی، ساخت‌واژی، نحوی و معنایی با یکدیگر بسیار متفاوت اند طوری که تا حد زیادی گویشور یک زبان ممکن است زبان دیگر را متوجه نشود. بنابراین تحقیق در این زبان‌ها مهم جلوه می‌کند. از آنجا که براساس تحقیقات محقق زبان‌پریشی در کردی کلهری به‌خوبی بررسی نشده است، تحقیق حاضر گامی در راستای پرکردن این خلأ تحقیقی است.

۱-۴ اهداف پایان نامه

هدف اصلی این تحقیق معرفی زبان‌پریشی و نشان دادن این دسته از اختلالات در یک بیمار کردزبان است. در این تحقیق نمود زبان‌پریشی در یک بیمار کرد نشان داده می‌شود و خواننده را با نوع اختلالاتی که در زبان بیماران زبان‌پریش "بروکا" تظاهر می‌یابد آشنا می‌سازد. پس از نشان دادن انواع اختلالات، به مقایسه‌ی شدت آنها پرداخته می‌شود.

۱. ارزیابی زبان‌پریشی در یک بیمار کردزبان
۲. درجه بندی اختلالات زبانی براساس نوع آسیب
۳. ارزیابی دستورپریشی در این بیمار

۱-۵ سوالات تحقیق

۱. زبان‌پریشی در این بیمار در کدام یک از سطوح زبان خود را آشکار می‌سازد؟
۲. کدام یک از مقوله‌های بررسی شده بیشترین اختلال را داراست؟
۳. نمود نحوپریشی در این بیمار از چه الگوهایی تبعیت می‌کند؟

برای انجام چنین مطالعاتی یافتن بیماران زیاد بسیار مشکل است. چون بیماران مورد مطالعه باید از نظر سن، جنس، نوع آسیب و زبان تا حد زیادی به یکدیگر نزدیک باشند تا بتوان با اطمینان بیشتری از نمود اختلالات خاص در یک زبان صحبت کرد زیرا این عوامل از جمله عواملی هستند که بر نوع اختلالات زبان تأثیر می‌گذارند، به عنوان مثال آسیب مغزی یکسان در افراد با سنین مختلف به بروز اختلالات مختلفی می‌انجامد، هم چنین ویژگی خاص هر زبان نیز اختلالات مختلفی را نشان می‌دهد. از آنجا که بنابر تحقیقات محقق مطالعه‌ی خاصی در این زبان صورت نگرفته است، بنابراین داده‌ها و نتایج این تحقیق را نمی‌توان به‌طور قطع به عنوان نمود زبان‌پریشی در کردی کلهری دانست بلکه این مطالعه نمونه‌ای از اختلالاتی است که می‌تواند در یک بیمار با محدوده‌ی سنی، جنسی و نوع آسیب مغزی خاص بروز پیدا کند. معرفی این گونه مطالعات و توصیف یک نمونه زبان‌پریش در این زبان گامی در جهت تحقیقات بیشتر در این زمینه است. امید است تحقیقات بیشتری در این زمینه و در این زبان صورت گیرد تا اینکه داده‌های کافی و مفید در اختیار پزشکان بالینی قرار گیرد تا در بازگشت بهتر و آسان‌تر زبان چنین بیمارانی کوشش به عمل آورند.

۱-۶ ساختار مطالعه

آنچه که به دنبال این فصل خواهد آمد ابتدا پیشینه‌ای از مطالعاتی است که در این زمینه انجام شده و مطالعات عصب‌شناسی زبان را به این مرحله رسانده است. هم‌چنین در این فصل ارتباط نظریه‌های زبان-شناسی با مطالعات عصب‌شناسی نشان داده می‌شود و چند نمونه تحقیق که در این راستا صورت پذیرفته و تحقیق حاضر نیز نمونه‌ای از این دست است به اختصار معرفی می‌شوند.

از آنجا که روش تحقیق در این گونه مطالعات بسیار مهم است، پس از پیشینه‌ی تحقیق، در فصلی باعنوان روش تحقیق درباره‌ی آزمونی که در این تحقیق استفاده شده است و علت استفاده از آن بحث خواهد شد. هم‌چنین اطلاعاتی در رابطه با بیمار مورد مطالعه، نوع آسیب مغزی وی و نیز داده‌های زبانی وی ارائه خواهد شد.

فصل چهارم این تحقیق به ارائه و تحلیل داده‌های حاصل از آزمون می‌پردازد. در فصل پنجم در رابطه با داده‌های به دست آمده براساس نوع آسیب و اختلال زبانی بیمار بحث خواهد شد. داده‌های نحوی نیز بر-اساس نظریات موجود تحلیل خواهند شد و نتایج به دست آمده با نتایجی که دیگران در رابطه با موارد مشابه به دست آورده اند مقایسه می‌شود.

فصل دوم

ملاحظات نظری و پیشینه

۱-۲ مقدمه

عنوان *عصب‌شناسی زبان* نخستین بار در سال ۱۹۷۱ توسط ویتکر^۶، بنیانگذار مجله‌ی علمی *عصب‌شناسی زبان*، استفاده شد. *عصب‌شناسی زبان* یکی از علوم بین‌رشته‌ایست که به مطالعه‌ی رابطه‌ی میان زبان و مغز می‌پردازد و خود نیازمند داشتن علوم *عصب‌شناسی* و *زبان‌شناسی* است. این شاخه از مطالعات به تحقیق در رابطه با پردازش زبان در مغز می‌پردازد: اینکه جایگاه زبان در مغز کجاست، چگونه در مغز پردازش می‌شود و چه مراکز در مغز در درک و تولید آن دخیل‌اند و دیگر اینکه نمود زبان پس از آسیب‌های مغزی چگونه است. هرچند در زمینه‌ی ارتباط زبان و مغز در سالهای اخیر تحقیقات فراوانی صورت گرفته است اما هنوز ناگفته‌های بسیاری وجود دارد. زبان با پیچیدگی‌های زیاد خود در دستگامی بسیار پیچیده‌تر یعنی دستگام عصبی مغز پردازش می‌شود و همین موجب شده است بسیاری از جنبه‌های آن به صورت معما باقی بماند.

تفاوت ساختاری زبان‌های مختلف و عواملی چون جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی زبان و فرد، زبان هر فرد را خاص آن شخص می‌کند، بنابراین نمی‌توان به زبان انسان به‌عنوان یک پدیده‌ی واحد مانند اعضای بدن نگریست. همین مسأله باعث شده است که با پیشرفت‌های چشمگیر قرن حاضر و پیدایش

⁵ Neurolinguistics

⁶ Whitaker